

بسم الله الرحمن الرحيم

«بصیرت»

وراهکارهای عملی بصیرت زایی و بصیرت افزایی

مهدی عبدالهی^۱

مقدمه

یکی از ویژگیهای بارز خواص اهل حق، بصیرت است، بصیرتی که حاصل ایمان و تقوا می باشد و از انحرافات و کج رویها جلوگیری کرده و مؤمنین و متقین را در حمایت و یاری امام و رهبرشان متحد و منسجم و پایدار می سازد، چنانچه مقام معظم رهبری پیرامون نقش خواص در واقعه عاشورا فرمودند: "اگر در آن مقطع، خواص، اهل بصیرت بوده به موقع از حق حمایت می کردند، ما شاهد حادثه تلخی همانند عاشورا نبودیم". بنابراین بصیرت گوهری ارزشمند است که در جبهه اهل حق یافت می شود و هر که را فاقد آن است باید در جبهه اهل باطل جستجو کرد. در این نوشتار به تعریف و تبیین این پدیده پرداخته شده است و با بررسی خاستگاه آن و عوامل مؤثر در قوت و ضعف آن، بر عامل ایمان و تقوا به عنوان رکن مهم پدیدآورنده بصیرت تأکید می گردد و نهایتاً با ارائه یک نظام موضوعات، مصادیق آن بیان شده و به منظور ارائه راهکارهای عملی جهت رشد بصیرت، زمینه برنامه ریزی حول آن موضوعات فراهم می گردد.

تعریف بصیرت

بصیرت قدرت فهم و درک حقایق و تمیز و تشخیص حق از باطل است، انسان با بهره‌مندی از بصیرت در هر حوزه معرفتی و در هر بینش و علمی و نیز در هر قضاوت و تصمیم و اراده ای می تواند در مسیر حق و حقایق قدم بردارد و تولی به حق داشته باشد و از باطل تبری جوید،

خاستگاه بصیرت

اگر ابعاد وجودی انسان را در سه رکن اصلی ذیل تقسیم و تعریف نماییم :

- روح یا قلب (منبع تمایلات و گرایشات انسان)، حوزه ایمان و اخلاق،
- ذهن یا عقل (محل اندیشه و تفکر انسان)، حوزه دانش و اعتقاد،
- جسم و جوارح (منشاء اعمال و رفتار انسان)، حوزه عملکرد و اقدام،

^۱ سطح سه حوزه علمیه و کارشناسی ارشد از دانشگاه ادیان و مذاهب .

می توان گفت با توجه به ابعاد سه گانه وجود انسان، خاستگاه بصیرت، عقل است چرا که یکی از کارکردهای عقل فهم و درک است، علامه طباطبائی نیز در تفسیر المیزان تمییز بین حق و باطل را از شئون عقل می شمارد: "عقل عبارت است از نیروی مجردی که درانسان وجود دارد و می تواند مبدأ صدور احکام کلی باشد و آدمی به وسیله آن میان صلاح و فساد و میان حق و باطل و میان راست و دروغ فرق می گذارد". بنابراین یکی از مسئولیتهای عقل، فهم و درک حق و حقیقت و تشخیص آن از باطل و در واقع ایجاد بصیرت در انسان است و نکته مهم ارتباط و تأثیر و تأثر قلب و عقل و جسم بر یکدیگر است که بررسی آن در شناخت پدیده بصیرت بسیار ضروری است.^۲

تأثیر قلب بر عقل (تأثیر ایمان بر فهم)

فهم و درک دینی، عنوانی است که درحوزه معرفت شناسی به فهم متأثر از ایمان یا عقل متعبد به وحی گفته می شود، و به این واقعیت اشاره دارد که هر گونه فهم و درک و یا اعتقاد و بینشی متأثر از گرایشات و تمایلات روحی و در واقع متأثر از قلب انسان است، جهت گیری قلب در تمایلاتش، در فهم و درک انسان و علم و دانش ناشی از آن تأثیر دارد، بنابراین می توان گفت یکی از عوامل مؤثر در بصیرت انسان، گرایشات و تمایلات روحی و قلبی است، و نیز با توجه به اینکه قلب کانون محبت است و محبت می تواند دو جهت گیری عمده و دو گونه متعلق یعنی جهت گیری دنیایی و مادی (باطل) یا جهت گیری الهی (حق) داشته باشد، می توان نتیجه گرفت که عقل متأثر از قلبی که جهت گیری الهی دارد می تواند حق و حقیقت را فهم و درک کند و درواقع تحقق بصیرت، مشروط به وجود قلبی است که خالی از حب غیر خدا باشد به همین دلیل ممکن است نزد انسان مؤمن و کافر از حقیقت واحدی، ذهنیت، درک و فهم متفاوتی پدید آید.

در آیات و روایات بسیاری، حب دنیا و مادیات، منشاء ضلالت و گمراهی و خطا معرفی شده است^۳، بنابراین جهت گیری محبت قلبی، منشاء معرفت و در پی آن منشاء هر گونه اقدام و عمل یک انسان است، جهت گیری به سوی حق می تواند انسان را در معرفت حقیقت و طی مسیر به سوی حقیقت موفق کند و جهت گیری به سوی باطل انسان را از فهم و معرفت حقیقت بازمی دارد و در نتیجه حرکت بسوی باطل خواهد داشت. بنابراین در صورت جهت گیری اشتباه قلب، فکر و اعتقادات هم جهت گیری اشتباه خواهند داشت بطوریکه گاهی تشخیص و تمییز برخی اتفاقات یا جریانات در حوزه های مختلف علمی، فرهنگی، سیاسی و ... در وصف حق یا باطل بودن و توصیف به حقانیت یا بطلان، مشکل می شود که در اینصورت شرایط خاصی را برای تصمیم گیری و انتخاب پدید می آورد، این شرایط که گاهی با نام فتنه از آن یاد می شود و

^۲ بعد از جهت گیری تمایلات و گرایشات قلبی، اعتقادات مطابق با آن شکل می گیرد، اراده نیز به عمل و رفتار مطابق با گرایشات و اعتقادات تعلق می گیرد: مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَ هُمْ فِيهَا لَا يُنْخَسُونَ (هود/۱۵)، این رفتار بر عقل و قلب نیز تأثیر گذار است و این تأثیر و تأثر بین قلب، عقل و جوارح وسعت می یابد که قابل بررسی است.

^۳ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (صف/۵) وَ لَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبُ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَ زَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرِهَ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ (حجرات/۷) إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيْنًا لَهُمْ أَعْمَالُهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ (نمل/۴) زَيْنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (توبه/۳۷) زَيْنَ ذَلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ ... (فتح/۱۲) زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ النَّبَنِ وَ الْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَ الْأَنْعَامِ وَ الْخَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ (آل عمران/۱۴)

در واقع نوعی آزمون و آزمایش است، بصیرت و میزان درک حقیقت افراد را مورد سنجش قرار می دهد و نیز اثر مصون سازی برای جریان حق دارد. در این شرایط است که شناخت حق از باطل بسیار دشوار می شود چرا که باطل در ظاهر، زینت داده شده، و شبیه به حق می گردد و بسیاری افراد بی بصیرت را در دام خود اسیر می کند.

گاهی اوقات، انسان بخاطر برخی تعصبات قومی، دینی، سیاسی و ... نسبت به یک شخص یا جریان محبت پیدا می کند و همانطور که گفته شد، قلب کانون محبت است و با انحراف قلب در محبت به باطل، اعتقادات و اعمال شخص هم انحراف می یابد چنانچه در روایت فرموده اند: «حُبُّ الدُّنْيَا يُعْمِي وَ يُصِمُّ»^۴، «حُبُّكَ لِلشَّيْءِ يُعْمِي وَ يُصِمُّ»^۵، محبت به هر چیز غیر از خداوند متعال و آنچه در جریان حق وجود دارد، انسان را از دریافت حق و حقیقت کور و کر میسازد. در واقع ریشه تعصبات محبت بی ملاک و بیش از حد است به هر آنچه که در مسیر حق قرار ندارد و این محبت، تبعیت و تقلید کورکورانه و بی اساس را در پی خواهد داشت و انسان را دچار ظاهر بینی و عدم تفکر و تعقل عمیق می کند، این تبعیت در ابعاد اجتماعی گستره و پیامدهای خاصی به دنبال خواهد داشت بطوریکه ممکن است ملتی در پی شخص یا جریانی به سوی باطل منحرف شوند، همانطور که گفته شده است: «النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ»، مردم پیرو حکمرانانشان هستند، بنابراین اگر این بزرگان دین و دولت و خواص یک جامعه، در تشخیص حق و پیروی از آن دچار خطا شوند، ممکن است ملتی به دنبال آنها دچار اشتباه و خطا شوند و منشاء آن محبت و تبعیت بی اساس است.

تأثیر رفتار (عمل جوارح) بر قلب و عقل

مطابق با معارف اسلامی، برخی رفتارها و افعال انسان بر عقل تأثیر گذار است همچنانکه بر قلب نیز تأثیرگذار است، در واقع تأثیر رفتار بر قلب، عقل را نیز متأثر می سازد، بنابراین شناخت عوامل مؤثر بر قلب و در پی آن بر عقل می تواند، پدیده بصیرت را روشن تر سازد، برخی عوامل مؤثر بر قلب که موجب جهت گیری تمایلات و گرایشات قلبی به سوی حق یا باطل می شود و نیز مؤثر بر عقل، عبارتند از:

گناه و فعل حرام

ابن سینا که از فیلسوفان بزرگ به شمار می آید، می گوید: نفس اماره، به وسیله گناه، تمامی مجاری حق بینایی را می بندد و وقتی طعمه را در کام گرفت، او را در زیر خروارها خاک مغلظه دفن می کند و مصداق بارز «و قد خاب من دساها» می سازد؛ به طوری که آن فریب خورده، توان دیدن دست خود را هم ندارد.

برخی روایات بر تأثیر گناه در قلب تأکید فراوان دارند:

^۴ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۷۰، ص: ۷۵

^۵ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۷۴، ص: ۱۶۷

قال أمير المؤمنين عليه السلام: لا وَجَعَ أَوْجَعُ لِلْقُلُوبِ مِنَ الذُّنُوبِ^٦
امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: دردی برای قلوب، دردناکتر از گناهان نیست.

إذا أذنب الرجلُ خرج في قلبه نُكْتَةٌ سوداءُ فإن تابَ إنمَحَتْ و إن زاد زادت حتى تغلبَ على قلبه فلا يُفْلِحُ بعَدها أبداً^٧
هنگامی که فردی گناه می کند در قلب او لکه سیاهی ایجاد می شود، که اگر توبه کرد آن لکه محو می شود و اگر بیشتر گناه کرد، آن لکه بیشتر می شود تا اینکه بر قلبش غالب می شود پس بعد از آن هرگز رستگار نخواهد شد.

أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً (جاثیه/۲۳)
پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته (با وجود علمش) گمراه گردانیده و بر گوش او و قلبش مهر زده و بر دیده‌اش پرده نهاده است؟

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله): كَثُرَةُ الذُّنُوبِ مَفْسَدَةٌ لِلْقَلْبِ
گناهان زیاد قلب انسان را فاسد می کند.

و اینگونه گناه موجب از بین رفتن بصیرت می شود:

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُا السُّوَاىَ أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ (روم/۱۰)

قال أمير المؤمنين عليه السلام: أَفَةُ الْعَقْلِ الْهَوَى ، سَبَبُ فَسَادِ الْعَقْلِ الْهَوَى^٨
آفت عقل، هوای نفس است.

قال أمير المؤمنين عليه السلام : اتَّبَاعُ الْهَوَى فَإِنَّهُ يَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ^٩
متابعت از خواسته‌های نفسانی انسان را از حق باز میدارد

الهوى شريك العمى.

خواهش نفس شریک کوریست، زیرا که کسی که خواهش امری داشته باشد دیده بصیرت او کور گردد و قبح و مفسده آن را نبیند، پس کسی که خواهد که در همه چیز بینا باشد باید که هوی و خواهشی بخود راه ندهد.^{۱۰}

٦ الکافی: ۲/ ۲۷۲، باب الذنوب، حدیث ۲۸.

٧ آثار الصادقین، ج ۲، ص ۱۶۹

٨ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۶۴

٩ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۶۷، ص: ۸۸

١٠ شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، ج ۱، ص: ۱۵۴

هوا و هوس، گرد برخاسته
نبیند نظر، گرچه بیناست مرد

حقیقت، سرایی است آراسته
نبینی هر جا که برخاست گرد

لقمه حرام

لقمه حرام، قلب را تاریک می کند و بصیرتش را از بین می برد، در حدیث است که هر کس طعامی را از روی شهوت و خواهش نفس (نه از روی نیاز بدن) بخورد، خداوند، حکمت را بر دل او حرام فرماید. اگر خوراک انسان پلید و حرام باشد، قلب را کدر و تیره نموده، در اثر قساوت و ظلمت پند و اندرز در او اثر نمی کند و سخت ترین مناظر رقت بار او را متأثر نمی کند چنانچه حضرت سید الشهداء به لشکریان پسر سعد ضمن خطبه اش فرمود: « شکم هایتان از حرام پر شده و بر قلبهائتان مهر خورده دیگر حق را نمی پذیرید. وای بر شما آیا انصاف نمی دهید؟ آیا گوش فرا نمی گیرید »^{۱۱}

لقمه کاید از طریق مشته
خاک خور خاک و بر آن دندان منه
کان تو را در راه دین مغبون کند
نور عرفان از دلت بیرون کند
در ره طاعت، تو را بی جان کند
خانه دین تو را ویران کند

نطفه حرام

همانطور که اشاره شد، قلب انسان، کانون حب و بغض است و متعلق این محبت دو چیز است، خدای متعال یا دنیا^{۱۲}، در واقع حب حق یا باطل به اعتقادات و اعمال انسان جهت می دهد، از این رو فرموده اند: حب الدنیا رأس کل خطیئه، سرمنشاء همه خطاها حب دنیا است. در روایات بسیاری، یکی از عواملی که در شکل گیری محبت قلبی انسان نسبت به حق و حقیقت مؤثر است، پاکی نطفه است و ناپاکی آن نیز از عوامل بغض نسبت به جریان حق شمرده شده است:

عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنِ الصَّادِقِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ تَعَالَى عَلَى أَوَّلِ النِّعَمِ قِيلَ وَ مَا أَوَّلُ النِّعَمِ قَالَ طَيْبُ الْوِلَادَةِ وَ لَا يُحِبُّنَا إِلَّا مَنْ طَابَتْ وَلَادَتُهُ وَ لَا يُبْغِضُنَا إِلَّا مَنْ خَبِثَتْ وَلَادَتُهُ^{۱۳}

حسین بن یزید از امام صادق از پدرش از نیای بزرگوارش - علیهم السلام روایت نموده که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس که ما خاندان را دوست می دارد باید خدا را بر نخستین نعمت سپاس گوید، عرض شد: اولین نعمت چیست؟ فرمود: حلال زاده بودن، و ما را دوست نمی دارد مگر شخصی که نطفه او پاک است، و با من کینه ورزی نمی نماید مگر کسی که حرام زاده است.

^{۱۱} بحار الانوار: ج ۴۵، ص ۸ فَقَدْ مُلِئَتْ بُطُونُكُمْ مِنَ الْخَرَامِ وَطَبِعَ عَلَى قُلُوبِكُمْ، وَلَكُمْ أَلَا تَنْصِفُونَ؟ ! أَلَا تَسْمَعُونَ؟ ! (نفس المهموم)

^{۱۲} رسول اکرم (ص): حُب الدنیا و حب الله لا یجتمعان فی قلبٍ ابدأ. (تنبيه الخواطر/۳۶۲)

^{۱۳} سَبَبُ فَسَادِ الْعَقْلِ حُبُّ الدُّنْيَا

^{۱۴} معانی الأخبار، ص: ۱۶۱

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا عَلِيُّ مَنْ أَحَبَّنِي وَ أَحَبَّ الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِكَ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى طَيْبِ مَوْلَدِهِ فَإِنَّهُ لَا يُحِبُّنَا إِلَّا مَنْ طَابَتْ وَلَادَتُهُ وَ لَا يُبْغِضُنَا إِلَّا مَنْ خَبِثَتْ وَلَادَتُهُ^{۱۵}

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی شخصی که من و تو و همچنین امامان از نژاد تو را دوست بدارد، باید خدا را سپاس گوید؛ بر پاک بودن مکان زادن خود (حلال‌زادگی)، دوست ندارد ما را مگر شخص حلال‌زاده، و دشمنی نمی‌کند با ما جز آنکه ناپاک زاده باشد.

بنابراین بصیرت و شناخت حق و باطل نیز متأثر از برخی رفتارها و اعمالها نیز می‌باشد.

بصیرت حاصل تقوای قلب و جوارح

قرآن کریم و روایات معصومین (ع)، ایمان قلبی و پرهیزگاری عملی را شرط فهم حقیقت و بصیرت می‌داند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ان تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا^{۱۶}

ای کسانی که ایمان آورده اید اگر تقوا پیشه کنید، خداوند فرقان (وسیله تشخیص حق از باطل) برایتان قرار می‌دهد. (فرقان، صیغه مبالغه از ماده فرق است و در این جا، به معنای چیزی است که به خوبی حق را از باطل جدا می‌کند.)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ... وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ...^{۱۷}

ای کسانی که ایمان آورده اید، تقوا پیشه کنید و به رسولش ایمان آورید تا برای شما نوری قرار دهد که با آن راه را بیابید.

تقوای قلب به معنای پاکیزگی و دوری از محبت دنیا و شهوات دنیوی است، چنانچه فرموده اند :

اجْعَلُوا قُلُوبَكُمْ يُبَوِّتًا لِلتَّقْوَى وَ لَا تَجْعَلُوا قُلُوبَكُمْ مَأْوًى لِلشَّهَوَاتِ.^{۱۸}

قلوبتان را خانه تقوا قرار دهید و آن را منزلگاه شهوات نسازید.

همانطور که گفته شد، گاهی از عوارض قلب دوستی غیر حق و تعصب نسبت به او و تبعیت از اوست، انسان باید به درجه ای برسد که حب و بغض او بر مبنای حق و باطل باشد چنانچه فرموده اند :

^{۱۵} معانی الأخبار، ص: ۱۶۱

^{۱۶} انفال / ۳۹

^{۱۷} حدید / ۲۸

^{۱۸} تحف العقول، ص ۳۹۲؛ وصیته علیه‌السلام لهشام و صفته للعقل

أَشْغَلُوا [اشْتَغَلُوا] ... قُلُوبَكُمْ بِالرَّضَا فِيمَا أَحْبَبْتُمْ وَ كَرِهْتُمْ^{۱۹}

مشغول سازید قلبهای خود را به رضایت خداوند در آنچه دوست یا ناخوش دارید آن را .

و از امام صادق علیه السلام این دعا آمده است که :

اللَّهُمَّ اِنِّیْ مُحِبٌّ لِمَنْ احَبَبْتَهُ اَنْتَ وَ رَسُوْلُکَ، وَ مَبْغُضٌ لِمَنْ ابْغَضْتَهُ وَ رَسُوْلُکَ^{۲۰}

خدایا من آنکس را که تو و رسولت دوست داری دوست دارم و نسبت به آنکه تو و رسولت دشمنی، دشمن هستم.

تقوای جوارح و رفتار نیز همانند تقوای قلب، بصیرت و علم و حکمت را به دنبال خواهد داشت، چنانچه فرموده اند:

من زهد فی الدُّنْیَا عَلَّمَهُ اللهُ بِلَا تَعَلُّمٍ وَ جَعَلَهُ بِصِیْرًا^{۲۱}.

هر که در دنیا زهد و تقوا و دوری از گناه پیشه کند، خدایش بدون تعلم علم آموزد و بصیرت دهد.

بنابراین تقوای قلب و به سبب آن تقوای فکر و اعتقادات و تقوای جوارح و رفتار، به انسان قدرت بصیرت می دهد که بوسیله آن از انحراف و افتادن در تاریکی ها و اشتباه در شبهات و غرق شدن در فتنه ها، نجات پیدا کند. چنانچه فرموده اند: «مؤمن با نور خدا می بیند».

برنامه ریزی عملی با هدف بصیرت افزایی

براساس مباحث مطروح، در قالب جدولهای ذیل، و با تمسک به روشی نسبتاً منطقی آمیخته با استقراء، نظام موضوعاتی به دست می آید که این موضوعات می تواند به انضمام روشها و قالبهای اجرایی، برنامه هایی کاربردی را در راستای ایجاد و رشد بصیرت خلق نماید.

لازم به ذکر است در جدول اول عنوان کلی «بصیرت» مورد برنامه ریزی قرار گرفته است و در جدول دوم «بصیرت سیاسی» مورد تمرکز و دقت قرار گرفته است. چرا که ابعاد وجودی جامعه (متناظر با روح، عقل و عمل فردی) عبارت است از سیاست، فرهنگ و اقتصاد(صنعت) و از میان این سه بعد، آنچه اهمیت بیشتری دارد و در مدت اخیر مبتلا به بوده است بصیرت سیاسی است.

^{۱۹} تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۱۸۳

^{۲۰} مصباح الشریعة-ترجمه عبد الرزاق گیلانی، ص: ۴۳۰

^{۲۱} نهج الفصاحة مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ص، ص: ۷۶۶

توضیح عناوین جدول

عنوان : عبارتی است که از تحقیق فوق پیرامون علل و عوامل ایجاد و رشد بصیرت حاصل شده است، در واقع از مباحث فوق نتیجه گرفته شد که ایمان و تقوی عامل مهمی در ایجاد و رشد بصیرت است، بنابراین این عنوان مبنای برنامه ریزی قرار می گیرد.

موضوعات اصلی : عنوان فوق به دو موضوع اصلی تقسیم می گردد، در واقع با تجزیه عنوان کلی به ارکان اصلی اش، موضوعات اصلی پدید می آید که مبنای تقسیمات بعدی قرار می گیرند. ملاک تجزیه این عنوان کلی به ارکان اصلی همان منطقی است که در تحقیق فوق به آن اشاره شد، یعنی بر اساس معارف اسلامی ، «ایمان و تقوای قلبی» و «تقوای رفتاری» دو رکن در ایجاد بصیرت است.

موضوعات فرعی : بر اساس نتایج تحقیقات فوق، هر کدام از موضوعات اصلی جدول، به موضوعات فرعی تقسیم می شود که ملاک این تقسیمات نیز معارف اسلامی مورد اشاره است. پرداختن به این موضوعات فرعی ، محور اساسی اقدامات عملی ماست.

ابعاد اقدام : روشن است که هرگونه اقدام عملی در راستای تحقق بصیرت و بصیرت افزایی، باید در سه بعد «روحی و معنوی»، «فکری و اعتقادی» و «عینی و عملی» صورت گیرد، در واقع اقدام ما باید در این سه بعد از وجود مخاطب اثر گذار باشد تا رشد همه جانبه ای صورت بگیرد (ابعاد رشد انسان بصورت کلی شامل رشد روحی، اعتقادی و رفتاری است)، بنابراین لازم است این اقدامات ما در این سه حوزه برنامه ریزی شوند.

اهداف اقدام : این بخش از جدول ، هدف ما را از اقدامات لازم، بیان می کند مثلاً هدف ما از اقدامات روحی و معنوی در پرداختن به موضوع فرعی «حب خداوند و حب دنیا» عبارت است از «افزایش محبت خداوند و نابودی محبت دنیا در قلب» که یک اثر قلبی است و در بعد روحی و معنوی باید به آن توجه شود، بنابراین هرگونه اقدام ما باید منجر به این اثر معنوی و روحی در مخاطب شود. یا مثلاً هدف ما از اقدامات فکری و اعتقادی در پرداختن به موضوع فرعی «کسب حلال و لقمه حرام» عبارت است از «کسب دانش و معرفت نسبت به چیستی و چگونگی کسب حلال و حرام» که یک اثر معرفتی و عقلی است و در بعد فکری و اعتقادی باید به آن توجه شود، بنابر این هرگونه اقدام ما باید منجر به این اثر فکری و اعتقادی در مخاطب شود.

روش اقدام : پرداختن به هر یک از موضوعات فرعی در جدول، باید در قالب و روش خاصی صورت بگیرد، این روش و قالب به تناسب شرایط و مقصورات مجری برنامه و مخاطبان، متغیر و متنوع می باشد، در واقع یک مجموعه متناسب با ظرفیتهای خود ، اقدامات لازم را در پرداختن به این موضوعات فرعی حاصل شده در جدول، در قالب و روشهای خاصی تنظیم می نماید که انتخاب و تعیین آنها بصورت استقرائی صورت می گیرد. بنابراین روشهای مذکور در این جدول به عنوان نمونه ذکر شده است و قابل پرورش توسط مجموعه مجری برنامه می باشد. به عنوان مثال «مطالعه متون» به عنوان روشی که نتایج آن فکری و اعتقادی است با هدف «افزایش معرفت نسبت به عصمت و آلودگی و آثار و عواقب آن» در

موضوع فرعی «پاکی و عصمت و گناه و معصیت» پیشنهاد شده است، روشن است که یک مجموعه می تواند در یک دوره آموزشی، متونی را با موضوع مذکور تعیین نموده و به عنوان منابع مطالعاتی در اختیار مخاطب قرار دهد یا مثلاً می تواند با انتشار نشریه به این موضوع مذکور بپردازد و ...

موضوعات محتوایی (جدول دوم): این موضوعات متناسب با موضوعات اصلی و فرعی و ابعاد و اهداف اقدام در جدول، بصورت استقرائی به دست آمده است در واقع مهمترین موضوعات حول محور «سیاست» متناسب با تقسیم بندیهای جدول حاصل شده است. ذکر این نکته ضروری است که پرداختن به هر یک از این موضوعات محتوایی نیازمند به کارگیری شیوه و روشی خاص است و همانطور که اشاره شد، این روشها و قالبها متناسب با مقدرات و ظرفیتهای یک مجموعه و مخاطبان، تعیین می گردند.

روشها و قالبهای اجرایی

روشهای پیشنهادی عبارتند از:

- تهیه متون:

- نشریه (نشریه علمی، نشریه الکترونیکی، نشریه تصویری و ...)
- تحقیق و پژوهش و تألیف کتب و مقالات، مطالعه و آزمون،
- سایت اینترنتی، وبلاگ،
- پلاکارد، پوستر، تابلو، ...

- گفتمان:

- دیدار با بزرگان، علماء، مسئولین،
- درس اخلاق، سخنرانی،
- همایش، مناظره، جلسات بحث و گفتگو،
- کارگاه آموزشی، نقد و بررسی، ...

- فعالیت های گروهی:

- برگزاری دوره های آموزشی و پژوهشی کوتاه مدت،
- تشکیل حلقه های معرفتی با نظارت مربی،
- اردوهای علمی فرهنگی، ...

- فعالیت های هنری:

- برگزاری نمایشگاه (عکس و پوستر، گزارش و تحلیل،...)
- تولید کلیپ، فیلم (مستند و ...)

- تولید آثار هنری ،
- برگزاری مسابقات...

یک موضوع محتوایی به ضمیمه یک روش و قالب، یک برنامه را تشکیل می دهد (برنامه = موضوع + روش)، به عنوان مثال، موضوع «مبانی تحلیل سیاسی» به ضمیمه روش «برگزاری کارگاه آموزشی» برنامه ای را با عنوان «کارگاه آموزشی مبانی تحلیل سیاسی» شکل می دهد که جزئیات این برنامه شامل اهداف، خروجی برنامه، مراحل اجراء، زمانبندی اجراء بودجه و امکانات و ... توسط مدیران و متناسب با مقدورات مجریان و ظرفیتهای مخاطبان تهیه می گردد. بدین گونه فهرستی از برنامه های کاربردی در راستای اهداف مورد نظر تهیه می گردد.

جدول شماره ۱ : نظام موضوعات و اقدامات لازم جهت افزایش بصیرت

عنوان	موضوعات اصلی	موضوعات فرعی	ابعاد اقدام	اهداف اقدام	روش اقدام
ایمان و تقوی عامل ایجاد و رشد بصیرت	ایمان و تقوی قلبی	حب خداوند و حب دنیا	روحی و معنوی	افزایش محبت خداوند و نابودی محبت دنیا	جلسات دعا و مناجات
			فکری و اعتقادی	افزایش معرفت نسبت به علو خداوند و دنو دنیا	درس اخلاق مطالعه متون
			عینی و عملی	رفتار بر اساس محبت و معرفت به خداوند و بغض نسبت به باطل	مراقبه فردی و نظارت گروهی
	تقوای رفتاری (جوارح)	پاکی و عصمت و گناه و معصیت	روحی و معنوی	افزایش میل و گرایش نسبت به پاکی و دوری از گناه	جلسات دعا و مناجات و درس اخلاق
			فکری و اعتقادی	افزایش معرفت نسبت به عصمت و آلودگی و آثار و عواقب آن	مطالعه متون
			عینی و عملی	رفتار مبنی بر پاکی و دوری از گناه	مراقبه شخصی و نظارت گروهی
		کسب حلال و لقمه حرام	روحی و معنوی	افزایش میل و گرایش نسبت به کسب حلال و دوری از کسب حرام	درس اخلاق
			فکری و اعتقادی	افزایش معرفت نسبت به چیستی و چگونگی کسب حلال و حرام	مطالعه متون
			عینی و عملی	رفتار مبنی بر کسب حلال و دوری از اموال شبهه ناک و	مراقبه شخصی و نظارت گروهی

	حرام				
درس اخلاق	افزایش میل و گرایش نسبت به پاکی زاد و ولد	روحي و معنوی	پاکی نطفه و نطفه حرام		
مطالعه متون	افزایش معرفت نسبت به پاکی اولاد	فکری و اعتقادی			
مراقبه شخصی	رفتار مبنی بر سلامت ارتباط	عینی و عملی			

جدول شماره ۲: نظام موضوعات جهت افزایش بصیرت سیاسی

عنوان	موضوعات اصلی	موضوعات فرعی	ابعاد اقدام	اهداف اقدام	موضوعات محتوایی
ایمان و تقوی عامل ایجاد و رشد بصیرت (با تمرکز بر بصیرت سیاسی)	ایمان و تقوای قلبی	محبت نسبت به جریان حق و بغض نسبت به جریان باطل	روحي و معنوی	افزایش محبت و میل و گرایش نسبت به جریانات حق و حقیقت خواه و دشمنی با باطل	حقیقت خواهی و حقیقت طلبی پیروی و تبعیت از حق کفر و شرک و نفاق دین و سیاست ویژگیهای جریان حق و باطل جریان حق و باطل در فلسفه تاریخ
			فکری و اعتقادی	افزایش معرفت نسبت به جریانات حق و حقیقت خواه و جریانات باطل	جریان شناسی سیاسی تاریخ سیاسی معاصر ایران فلسفه سیاست و اندیشه سیاسی اسلام مبانی سیاسی امام و رهبری مکاتب سیاسی جهان و نقد مبانی فکری آنان انقلاب اسلامی و تحولات سیاسی در ایران و جهان مبانی تحلیل سیاسی
			عینی و عملی	رفتار بر اساس محبت و معرفت به جریان حق و بغض به جریان باطل	ارتباط و معاشرت با بزرگان دین گفتگو و تعامل با مصلحان سیاسی
	تقوای رفتار سیاسی	تولی به ولایت حق	روحي و معنوی	افزایش میل و گرایش به تولی به ولایت و تبعیت و حمایت از آن	سرپرستی و ولایت الهی سرپرستی و ولایت ائمه سرپرستی و ولایت فقیه شرع، دولت و حکومت (دولت و حاکمیت اسلامی، مشروعیت و مقبولیت)
			فکری و اعتقادی	افزایش معرفت نسبت به چپستی و چگونگی تبعیت و حمایت از	مبانی فقهی و عقلی ولایت فقیه آثار و برکات اجتماعی و سیاسی ولایت فقیه وظایف فردی و اجتماعی درتولی به ولایت فقیه

		ولایت و تولی به آن	(ولایت پذیری و ولایت مداری و قانونمندی) حکومت اسلامی و حکومت جهانی
	عینی و عملی	رفتار بر اساس پذیرش قلبی و اعتقادی ولایت	بکارگیری فرامین و رهنمودهای فردی و اجتماعی رهبری
	روحي و معنوی	افزایش میل و گرایش به تبری و مبارزه با جریانات باطل	سرپرستی و ولایت شیطان در تاریخ سرپرستی و ولایت طاغوت
تبری از باطل	فکری و اعتقادی	افزایش معرفت و شناخت نسبت به جریان باطل و چگونگی مبارزه با آنان	طاغوت در فلسفه تاریخ اسلامی ویژگیهای طاغوتیان و اهل باطل وظایف فردی و اجتماعی در مبارزه با طاغوت اهداف و مبانی، مقاصد و روشهای حکومت طاغوت حاکمان سیاسی نامشروع در جهان اسلام ستیزی و روشهای آن (تهاجم فرهنگی، انقلابهای مخملی و ...)
	عینی و عملی	رفتار بر اساس پذیرش قلبی و اعتقادی تبری از باطل	به کارگیری شیوه های فردی و گروهی در مبارزه با تهاجم فرهنگی و سیاسی دشمن